

# نظام سیاسی شیعه در اندیشه شیخ مفید

تاریخ دریافت: ۸۳/۳/۲۱

تاریخ تأیید: ۸۳/۴/۲۸

علی خالقی \*

نظام سیاسی به مثابه مجموعه روش‌ها و ابزارهای یک جامعه برای ساماندهی زندگی سیاسی و شکل‌دهی به آن، در دیدگاه فقهی - سیاسی علمای شیعه در قالب نظام امامت و ولایت مطرح گردیده است. شیخ مفید نظام سیاسی مطلوب شیعه را در چارچوب ریاست امامی عادل بر امور دینی و دنیوی ترسیم کرده و بهترین الگوی این نظام را در عصر غیبت، ولایت از سوی فقهای مأذون از سوی امام و جامع الشرایط دانسته است.

واژه‌های کلیدی: نظام سیاسی، سلطان عادل، ولایت فقه‌ها و تعامل مردم و حاکمان.

## مقدمه

قرن سوم و چهارم هجری به دلیل شرایط خاص سیاسی و فرهنگی حاکم بر جهان اسلام، نقطه عطفی در حوزه دانش سیاسی مسلمانان محسوب می‌گردد. در این دوره، شیعیان به سبب فضای باز سیاسی و فرهنگی ناشی از ضعف عباسیان و نفوذ امیران آل بویه در بغداد، برای اولین بار به عرصه رقابت فکری و عقیدتی آزاد با دیگر فرقه‌های اسلامی وارد شدند و با جمع‌آوری احادیث و تحلیل‌های شیعی از تاریخ سیاسی اسلام و بازبینی اندیشه‌های فقهی و کلامی، به نضج و گسترش دانش سیاسی شیعه پرداختند.

\* دانش آموخته حوزه علمیه قم و عضو هیأت علمی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی.



شیخ مفید (۳۳۶ - ۴۱۳ ه.ق)، از متکلمان و فقیهان برجسته شیعه در این دوره، در پایه‌گذاری و رشد دانش سیاسی شیعه در قالب کلام و فقه سیاسی و فراهم ساختن زمینه برای تفریع اندیشه‌ورزان بعدی شیعه، نقشی کلیدی و اساسی داشت. این مقاله، ناظر بر اندیشه‌های فقهی - سیاسی ایشان در زمینه نظام سیاسی مطلوب شیعه می‌باشد.

### تعریف نظام سیاسی

نظام سیاسی به روش ویژه یک جامعه برای زندگی سیاسی و شکل‌دهی به آن، پسندهای اخلاقی، شکل حکومت و روح قوانین سیاسی حاکم بر جامعه اطلاق می‌شود.<sup>۱</sup> بر این اساس، می‌توان مجموعه آرا و نظریه‌های فقهی و کلامی عالمان شیعه را در تبیین روش و سبک نظام‌دهی سیاسی به زندگی شیعیان و شکل‌دهی به آن و قوانین و مقررات مربوط به زندگی جمعی آنها و چگونگی حکومت و شکل‌دهی آن، تلاشی در جهت توصیف نظام سیاسی شیعه تلقی کرد.

### ضرورت نظام سیاسی

از نظر شیخ مفید، واژه «امامت» به معنای خلافت، امارت و سلطنت، در تبیین نظام سیاسی شیعه و بیان ضرورت و انواع آن نقش محوری دارد، زیرا با امامت و ریاست است که مکلفان به صلاح و رستگاری دست یافته، از فساد و تباهی نجات می‌یابند، جنایتکاران تأدیب می‌شوند، گناهکاران توبه می‌کنند، گمراهان اصلاح می‌شوند، جاهلان تعلیم داده می‌شوند، غافلان آگاه می‌گردند، گمراهی‌ها تحذیر می‌شود، حدود اقامه می‌گردد، احکام میان اهل اختلاف اجرا می‌شود، امیران بلاد نصب می‌شود، مرزهای بلاد اسلامی ایمن می‌گردد، اموال مردم محافظت می‌شود و کیان اسلام مورد حمایت قرار می‌گیرد.<sup>۲</sup> همه این‌ها همان نظام‌دهی سیاسی به جامعه مسلمانان است که عقلا در هر جامعه انسانی لازم و ضروری دانسته‌اند.<sup>۳</sup>

با این بیان، روشن می‌شود که اساسی‌ترین دلیل شیخ مفید برای ضرورت یک نظم سیاسی در جامعه، همان صلاح و فساد مسلمانان است که به اعتقاد وی، با اجرای قوانین اسلام به دست یک رئیس عادل تأمین می‌گردد.<sup>۴</sup>

### انواع نظام سیاسی

از نظر شیخ مفید، در جامعه اسلامی برای تأمین صلاح و رستگاری مردم وجود نظام سیاسی ضرورتی مسلم است، چه به واسطه سلطان عادل محقق شود - که مطلوب‌ترین وجه است - و چه به واسطه

سلطان غیر عادلّی تحقیق یابد - که از باب اضطرار قابل قبول است. بر این اساس، نظام سیاسی در یک تقسیم‌بندی کلی به دو صورت قابل تصور است: یکی، نظام سیاسی مبتنی بر امامت و ریاست سلطان عادل و افراد منصوب یا مأذون از سوی ایشان و دوم، نظام سیاسی مبتنی بر امامت و ریاست سلطان جائز و ولات ایشان.<sup>۵</sup>

در این نوشته نظام سیاسی مبتنی بر ریاست سلطان عادل و خاستگاه، شرایط، اختیارات و وظایف و چگونگی تداوم آن را در عصر غیبت بر اساس دیدگاه شیخ مفید مورد بررسی قرار می‌دهیم.

## نظام سیاسی مطلوب

مطلوب‌ترین نظام سیاسی از نظر شیخ مفید، نظام مبتنی بر ریاست و امامت کسی است که از سوی خداوند - عزّوجلّ - مبعوث شود<sup>۶</sup>، احکام الهی را اجرا کند، حدود الهی را برپا دارد و شریعت آسمانی را نگه داشته، مردمان را بر اساس آن تأدیب و سیاست کند.<sup>۷</sup> در این نظام، ریاست چنین فردی مقدم بر هر کس دیگر بوده و اطاعتش بر همگان واجب است.<sup>۸</sup> بالاترین مصداق این گونه نظام سیاسی، نظامی است که پیامبری در رأس آن قرار گرفته باشد.

نظام مطلوب پس از پیامبر، نظام مبتنی بر ریاست امام عادل (سلطان عادل، ناظر بر امور مسلمانان و حاکم اسلامی) است: «امام کسی است که ریاست عامه مردم در امور دینی و دنیوی، به نیابت از پیامبر به او واگذار شده است».<sup>۹</sup> امام جانشین پیامبر در اجرای احکام، اقامه حدود، حفظ شریعت و تأدیب و سیاست مردمان است.<sup>۱۰</sup> اولین مصداق چنین نظامی از منظر شیخ مفید، نظام حکومتی امام علی علیه السلام است.<sup>۱۱</sup> امام پس از امام علی علیه السلام، با روی کار آمدن معاویه و یزید همواره جباران بنی‌امیه، بنی‌مروان و بنی‌عباس بر مسلمانان حاکم شدند و مردم نیز تا قدرت و ریاست را در آنان جمع دیدند، اطاعتشان کردند و حتی از اولیای الهی و سلاطین عادل، کامل، حکیم و عالم روی‌گردان شدند، از این رو نظام سیاسی مطلوب شیعه مصداقی پیدا نکرد.<sup>۱۲</sup>

طبق نظر شیخ مفید در زمان حاضر نیز برترین نظام سیاسی، نظامی است که امام زمان (عج) در آن، والی خلق در جمیع امور دینی و دنیوی باشد، اما از آن جا که آن حضرت به دلیل کثرت دشمنان و قلت ناصران و یا به دلیل مصلحت دیگری از نظرها پنهان است<sup>۱۳</sup> و نظام سیاسی مبتنی بر حضور ایشان محقق نشده، از چندین طریق باید زندگی سیاسی شیعیان را در عصر غیبت ایشان نظام داد: یکی، از طریق تقیه و مدارا با سلاطین حاکم و دیگری، از طریق مراجعه به فقهای عادل و مأذون از سوی امام زمان (عج). از نظر شیخ مفید، تمامی اختیارات امام (عج) به فقهای عادل و مأذون از سوی ایشان تفویض شده و آنها در صورت تمکّن می‌توانند به نیابت از سوی ایشان متولی همه اختیارات آن

### خاستگاه مشروعیت نظام سیاسی مطلوب

یکی از سؤال‌های اساسی در بررسی نظام‌های سیاسی، منشأ مشروعیت قدرت سیاسی در آن نظام و چگونگی پذیرش حاکمان از سوی مردم و اطاعت از دستورهای صادره شده آنها می‌باشد. شیخ مفید درباره منشأ قدرت و مشروعیت دستورهای پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین علیهم السلام می‌گوید: «پیامبر از سوی خداوند - عز و جل - ثابت الطاعة است و لذا، نیازی به بیعت یا اختیار و انتخاب از سوی دیگران ندارد»<sup>۱۵</sup> و اطاعت از او بر همه واجب است.<sup>۱۶</sup> پس از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، فقط ائمه معصومین علیهم السلام مشروعیت و استحقاق امامت و ریاست بر امت اسلامی را دارند و ایشان حجت خداوند در میان مردم محسوب می‌شوند.<sup>۱۷</sup> ائمه معصومین علیهم السلام از سوی خداوند متعال و به نص الهی امامت و ریاست یافته‌اند و اطاعت از ایشان در ردیف اطاعت از خدا و رسول خداست،<sup>۱۸</sup> بنابراین خاستگاه مشروعیت امامان بعد از پیامبر نص الهی بوده، نه انتخاب از سوی مردم که از این طریق امامت متحقق نمی‌گردد.<sup>۱۹</sup> برای اثبات الهی بودن منشأ مشروعیت امام می‌توان به دلایلی استدلال کرد که عبارت‌اند از:

۱. امام باید از عصیان و خطا معصوم باشد و ریاست فرد غیر معصوم بر مردم به سه دلیل فاسد است:

الف) کسی که مرتکب گناه و خطا می‌شود و از حق و حقیقت غفلت می‌کند، خود نیازمند امام و رئیسی است که او را از غفلت‌هایش متنبه سازد و از کجی‌ها و اعوجاج‌هایش باز دارد؛<sup>۲۰</sup>

ب) اگر امام مرتکب گناه و خطا شود، یا انکار او واجب است که در این صورت، منزلت‌اش در میان مردم ضایع شده و کسی از او اطاعت نخواهد کرد و یا انکارش واجب نیست که در این صورت، وجوب امر به معروف و نهی از منکر ساقط خواهد شد و این امر، باطل و نادرست است؛

ج) امام حافظ شرع است و اگر معصوم نباشد ممکن است در شرع دخل و تصرف کند.<sup>۲۱</sup>

۲. امام باید به جمیع علوم دین و حکم همه موضوعاتی که امت به آنها نیازمندند، عالم باشد و گرنه خود محتاج امام و رئیسی دیگر می‌شود و تسلسل باطل لازم می‌آید.<sup>۲۲</sup>

۳. امام باید از همه مردم عصر خود افضل باشد<sup>۲۳</sup>، زیرا مقدم داشتن مفضول بر فاضل مخالف حکم عقل است و سیاست و تدبیر انسان کامل به وسیله انسان ناقص، خلاف حکم عقل است.<sup>۲۴</sup> این امر از نظر شرع نیز پذیرفته شده نیست.<sup>۲۵</sup>

۴. امام باید شجاع‌ترین، زاهد‌ترین، صالح‌ترین، بصیرترین و حکیم‌ترین شخص در سیاست و تدبیر مردم باشد.<sup>۲۶</sup> بسیاری از این شرایط نه به واسطه عقل و حدس، که از طریق اظهار معجزه یا



نص از سوی کسی که به اُسرار آگاهی دارد، معلوم می‌گردد.<sup>۲۷</sup> بنابراین، تنها راه مشروع تعیین امام، نص الهی است و انتخاب یا بیعت مردم طریق تعیین امام و مشروعیت بخشیدن به او نمی‌باشد. البته این، بدان معنا نیست که از نظر شیخ مفید، ریاست سلطان عادل به رضایت و مقبولیت مردم نیازی نداشته باشد، زیرا هم چنان که ایشان از امام صادق علیه السلام روایت کرده، امامت یک قوم بدون رضایت ایشان هرگز مطلوب نبوده و نیست.<sup>۲۸</sup>

این مبنای شیخ مفید در خصوص خاستگاه مشروعیت قدرت امامان در عصر غیبت نیز استمرار می‌یابد و در این عصر ریاست کسی مشروع است که عامل، عادل، عاقل، کامل و زاهد باشد.<sup>۲۹</sup> بنابراین، با فقدان یکی از این شروط، مانند چهل به احکام یا عجز از اداره امور مردم، فرد به تصرف در امور مردم مجاز نخواهد بود.<sup>۳۰</sup> ایشان در عصر غیبت تنها فقهای اهل حق (شیعه)، عادل و ذوی الرأی والعقل والفضل را حاکمان مأذون از سوی امام عصر (عج) دانسته و معتقد است که اینان در صورت تمکن می‌توانند متولی همه آنچه سلطان اسلام در آنها ولایت دارد، باشند.<sup>۳۱</sup> خلاصه این که از نظر شیخ مفید، تنها خاستگاه مشروعیت قدرت سلطان اسلام (پیامبر، امام و فقهای مأذون از سوی ایشان) نص الهی است، نه انتخاب و اختیار مردم.

### ولایت فقها و شرایط و اختیارات ولی فقیه

به اعتقاد شیخ مفید، مطلوب‌ترین نظام سیاسی در عصر غیبت نظام مبتنی بر ریاست حاکمان فقیه و عادل و مأذون از سوی امام زمان (عج) است. در این جا اصل ولایت، شرایط و اختیارات ولی فقیه و روابط متقابل مردم و ولی فقیه را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

#### الف) ولایت فقهای شیعه در عصر غیبت

شیخ مفید ولایت فقیه را در ردیف ولایت سلطان عادل (امام) دانسته و در دایره مفهوم عام «سلطان اسلام» قرار داده است.<sup>۳۲</sup> از این روزمانی که از سلطان اسلام و گستره مسئولیت‌ها و اختیارات او سخن می‌گویند، به گونه‌ای مفهوم سلطان را تفسیر می‌کنند که شامل فقیه جامع الشرایط نیز می‌شود؛ برای نمونه، درباره اقامه حدود چنین می‌گویند:

أما إقامة الحدود فهو إلى سلطان الإسلام المنصوب من قبل الله تعالى وهم أئمة الهدى من آل محمد عليهم السلام ومن نصبوه لذلك من الأمراء والحكام وقد فوضوا النظر فيه إلى فقهاء شيعتهم<sup>۳۳</sup>؛ اقامه حدود بر عهده سلطان اسلام منصوب از سوی خداوند متعال که ائمه هدی هستند و امیران و حاکمان منصوب از سوی ایشان است و نظارت بر اقامه این حدود [در عصر

غیبت] به فقه‌های شیعه تفویض شده است.

ایشان در باب وصیت نیز با عبارتی عام، فقه‌های شیعه را در همه اموری که امام علیه السلام در آنها صاحب اختیار است، دارای ولایت می‌داند:

وإذا عدم السلطان العادل، كان لفقهاء أهل الحق العدول من ذوی الرأی والعقل والفضل أن يتولوا ما تولاه السلطان؛<sup>۳۴</sup> زمانی که سلطان عادل حضور نداشته باشد، فقه‌های عادل، ذوی الرأی، عاقل و فاضل شیعه متولی آنچه ایشان در آن ولایت دارند، هستند.

بیشتر محققان معاصر با استناد به این عبارت شیخ مفید، ایشان را از قائلان به اثبات همه اختیارات امام علیه السلام برای فقه‌های شیعه در عصر غیبت دانسته‌اند.<sup>۳۵</sup>



### ب) شرایط و صفات ولی فقیه

شیخ مفید در آثار خود<sup>۳۶</sup> فقهایی را دارای ولایت می‌داند که از شرایط خاصی همچون فقاها، عدالت، مأمون بودن، صاحب عقل و رأی و افضل بودن برخوردار باشد.

ظاهراً مراد ایشان از قید «مأمون بودن» فراتر از عدالت است، چرا که از نظر ایشان برخی از کارها هر چند جایز و مباح است، مانع از دخالت فقیه در امور اجتماعی و اقتصادی می‌شود، از این رو فقیه جامع الشرایط در باب ولایت و حکومت شرایطی افزون بر فقیه جامع الشرایط در باب افتا و مرجعیت لازم دارد که از جمله آنها، مأمون بودن است.<sup>۳۷</sup> قید «عقل و رأی» نیز فراتر از شرایط عامه تکلیف بوده و برای خروج مجنون و دیوانه نیست، بلکه مقصود روشن‌بینی، تدبیر و زیرکی خاصی است که برای رهنمون جامعه لازم می‌باشد.<sup>۳۸</sup>

### ج) دامنه اختیارات ولی فقیه

شیخ مفید فقیه جامع الشرایط را در ردیف حاکم و سلطان اسلام قرار داده و همان وظایف و اختیارات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام و نواب خاص ایشان را برای وی قائل شده و معتقد است که در صورت عدم حضور سلطان عادل (امام)، فقه‌ها در همه اموری که ایشان ولایت داشته‌اند، صاحب اختیارند و در صورت تمکن می‌توانند متولی همه این امور گردند.<sup>۳۹</sup>

دیدگاه شیخ مفید را درباره گستره اختیارات فقه‌های جامع الشرایط در عصر غیبت می‌توان به دو طریق از آثار و افکار او استنباط کرد: یکی، مواردی که ایشان در آنها به اختیارات فقه‌های شیعه تصریح کرده است و دیگری، استدلال‌ها و عبارتهایی که از آنها صاحب اختیار بودن فقه‌های شیعه مانند سلطان اسلام (امام) استفاده می‌شود.

طریق اول: شیخ مفید در مواردی به صاحب اختیار بودن فقهای شیعه تصریح کرده که عبارت‌اند از:

۱. اقامه حدود و تعزیرات: شیخ مفید در باب اقامه حدود و تعزیرات، فقیه جامع الشرایط را هم‌چون سلطان عادل (امام) صاحب اختیار دانسته، می‌گوید:

اقامه حدود بر عهده سلطان منصوب از سوی خدا (ائمه معصومین علیهم‌السلام) و منصوبین ایشان از امرا و حکام است. [در مرحله بعد از ایشان،] نظر درباره اجرای حدود به فقهای شیعه تفویض گردیده است. ۴۰

وی این وظیفه را حتی به دوران سلطه حاکمان جور نیز گسترش داده و معتقد است:

«و إذا تمكّن الناظر من قبل أهل الضلال على ظاهر الحال من إقامة الحدود على الفجار وإيقاع الضرر المستحق على أهل الخلاف فليجتهد في إنفاذ ذلك فيهم فإنه أعظم الجهاد؛ هر فردی که بتواند با نفوذ در دستگاه جور به اقامه حدود بپردازد، باید تلاش کند این وظیفه را انجام دهد، زیرا این امر بزرگ‌ترین جهاد محسوب می‌شود. ۴۱

۲. دریافت و جمع‌آوری زکات: شیخ مفید با لحاظ این وظیفه بر عهده فقیه جامع الشرایط، او را در ردیف پیامبر و امام و نواب ایشان قرار داده، می‌نویسد:

فلما وجد النبي ﷺ أن الفرض حمل الزكاة إليه ولما غابت عينيه من العالم بوفاته صار الفرض حمل الزكات إلى خليفته فإذا غاب الخليفة كان القرض حملها إلى من نصبه من خاصته لشيعته فإذا عدم السفراء بينه وبين رعيته وجب حملها إلى الفقهاء المأمونين من أهل ولايته لأن الفقيه أعرف بمواضعها ممن لا فقه له في ديانتها: زمانی که پیامبر اکرم ﷺ در قید حیات باشد، واجب است که زکات به ایشان پرداخت شود و چون ایشان رحلت فرمودند، واجب است که زکات به جانشین آن حضرت داده شود و زمانی که جانشین پیامبر (ائمه علیهم‌السلام) غایب باشد باید زکات به نواب خاص ایشان، و در صورت نبود ایشان، به فقهای عادل شیعه پرداخت گردد، زیرا ایشان داناتر به مواضع مصرف آن هستند. ۴۲

۳. قضاوت و داوری در میان مردم: از نظر اکثر فقهای شیعه، قضاوت و داوری در میان مردم در عصر غیبت، از اختیارات و وظایف مسلم فقهای جامع الشرایط است.

شیخ مفید در این باره می‌گوید:

وله [فقهای شیعه] أن يقضوا بينهم بالحق و يصلحوا بين المختلفين في الدعاوى عند عدم البيّنات و يفعلوا جميع ما جعل إلى القضاة في الاسلام لأن الأئمة عليهم‌السلام قد فوضوا إليهم ذلك عند تمكّنهم منه؛ بر عهده فقهای شیعه است که بین مردم به حق قضاوت کنند و اختلافات



آنها را اصلاح نمایند و همه آنچه را در اسلام بر عهده قاضی مسلمانان گذاشته شده انجام دهند، زیرا ائمه علیهم السلام وظیفه قضاوت و داوری در میان امت را به ایشان تفویض کرده‌اند.<sup>۴۳</sup>

۴. اقامه نماز جمعه و جماعات: شیخ مفید درباره اقامه نماز جمعه و جماعات که از اختیارات فقه‌های جامع الشرایط است<sup>۴۴</sup>، می‌نویسد: فقه‌های شیعه در صورت تمکن و ایمن بودن از آزار و اذیت اهل فساد<sup>۴۵</sup>، باید برادران دینی خود را به اقامه نمازهای پنج‌گانه و نماز عید و طلب باران و آیات جمع کنند.<sup>۴۶</sup>

۵. اجرای وصیت کسی که وصی او مرده: یکی از مواردی که شیخ مفید در آن به اختیارات فقه‌ها به نیابت از امام تصریح کرده، اجرای وصیت کسی است که وصی او مرده است. وی می‌گوید:

اگر وصی کسی بمیرد، ناظر امور مسلمانان متولی اجرای وصیت بر حسب آنچه بر وصی واجب بوده، می‌گردد و ورثه خودشان نمی‌توانند متولی این کار شوند، وزمانی که سلطان عادل حضور نداشته باشد، بر فقه‌های اهل حق که صاحب رأی و عقل و فضل اند، لازم است که آنچه را در این باره سلطان متولی بود، بر عهده گیرند.<sup>۴۷</sup>

طریق دوم: از کلیت عبارت‌ها و استدلال‌های شیخ مفید، صاحب اختیار بودن فقیه جامع الشرایط برداشت می‌شود. بر این طریق می‌توان چنین استدلال کرد:

۱. شیخ مفید در اشاره به حاکم اسلامی از واژه‌های متعددی هم‌چون سلطان، سلطان الزمان، سلطان عادل، امام، حاکم، حاکم مسلمین و ناظر بر امور مسلمین<sup>۴۸</sup> بهره برده و در همه آنها، مقصود واحدی را اراده کرده؛ یعنی همه آنها را به صورت واژه‌های هم‌نشین به کار گرفته است.<sup>۴۹</sup>

۲. وی در موارد مختلفی به صراحت، فقه‌های جامع الشرایط را هم‌ردیف سلطان، حاکم، ناظر بر امور مسلمین و ... قرار داده است.<sup>۵۰</sup>

با توجه به دو مقدمه مذکور می‌توان استدلال کرد در مواردی هم که شیخ مفید یکی از این واژه‌ها را به طور عام به کار برده و به اختیارات فقیه جامع الشرایط تصریح نکرده و در عین حال صاحب اختیار بودن ایشان را نیز نفی نکرده، وی را در شمول این واژه عام قرار داده و اختیارات حاکم اسلامی را درباره ایشان نیز ثابت دانسته است. از این رو می‌توان مواردی را به اختیارات فقه‌های جامع الشرایط افزود که عبارت‌اند از:

۱. سرپرستی ایتام و محجورین: این مورد را معمولاً همه فقه‌های شیعه از باب امور حسبه، از اختیارات قدر متیقن فقه‌های جامع الشرایط دانسته‌اند. شیخ مفید در این باره می‌گوید:

ولحاکم المسلمین أن یوکل لسفهاءهم وأیتامهم من یطالب بحقوقهم ویحتج عنهم ولهم<sup>۵۱</sup>؛ بر عهده حاکم مسلمانان است که برای سفها و ایتام مسلم وکیلی تعیین کند تا

حقوق ایشان را مطالبه کرده و از حقوق آنها دفاع نماید.

۲. نظارت بر اجرای امر به معروف و نهی از منکر: یکی دیگر از اختیارات حاکم اسلامی به خصوص در مراحل منجر به جرح و قتل، نظارت بر اجرای امر به معروف و نهی از منکر است. شیخ مفید با اذعان به این نظر، می نویسد:

ولیس له القتل والجراح إلا بإذن سلطان الزمان المنصوب لتدبیر الأنام<sup>۵۲</sup>؛ امر و ناهی بدون اذن سلطان زمان نمی توانند برای نهی از منکر، کسی را مجروح یا به قتل برسانند.

۳. اجبار محتکر به فروش کالای احتکار شده: شیخ مفید اجبار محتکر به فروش کالاهای ضروری و مورد نیاز مردم را به طور عام از اختیارات سلطان اسلام شمرده، می نویسد:

وللسلطان أن یکره المحتکر علی إخراج غلّته و بیعها فی أسواق المسلمین إذ کانت بالناس حاجة ظاهرة وله إلیها وله أن یسعرها علی ما یراه من المصلحة ولا یسعرها بما یخسر أربابها فیها<sup>۵۳</sup>؛ بر سلطان لازم است که در صورت نیاز مردم، محتکر غلات را به خارج ساختن غلات و فروش آنها در بازار مسلمانان مجبور کند و بر حسب مصلحت، آن را قیمت گذاری نماید.

۴. ولایت بر زنی که شوهر او غایب شده: اگر شوهر زنی غایب شود و او سرپرستی نداشته باشد، باید به سلطان زمان مراجعه کند. سلطان به کسب خبر از شوهر او در شهرهای مختلف می پردازد و چهار سال منتظر او می شود، اگر خبری به دست آمد او را به پرداخت نفقه یا جدایی ملزم می کند و در صورت عدم کسب خبری، پس از سپری شدن عده وفات، اجازه ازدواج را برای او صادر می کند.<sup>۵۴</sup>

۵. نظارت بر اموال و اشخاص گم شده (لقیط) و نگهداری از آن: شیخ مفید درباره نظارت بر لقطه و نگهداری از آن به عنوان یکی از اختیارات حاکم اسلامی، می نویسد:

اگر انسان، لقیط حزی را پیدا کند باید خبر آن را به سلطان اسلام بدهد تا او از بیت المال، نفقه او را بپردازد.<sup>۵۵</sup>

ایشان هم چنین درباره عبد و حیوان گم شده می نویسد:

اگر کسی عبد و حیوان لقطه را پیدا کند باید خبرش را به سلطان اسلام برساند تا او نفقه آنها را از بیت المال بپردازد.<sup>۵۶</sup>

در همه مواردی که ذکر شد، شیخ مفید واژه های سلطان، سلطان اسلام، سلطان زمان، سلطان عادل، امام و حاکم اسلامی را هم ردیف، و در مقابل سلطان جور به کار برده و اجرای احکام و اختیارات را مختص به زمان خاصی نکرده است.

بنابراین، در عصر غیبت تنها مصداق سلطان اسلام و واژه های هم ردیف آن، فقهای جامع



الشرايط شيعه هستند و به تعبير اقای آذری قمی، از نظر شیخ مفید در عصر غیبت سلطان جز فقیه نمی تواند باشد، چون ایشان دیگران را سلطان نمی داند.<sup>۵۷</sup> به تعبير شیخ مفید، تنها فقیهان هستند که در صورت تمکّن و ایمن بودن از ضرر می توانند عهده دار تمامی اختیارات سلطان اسلام و متولی همه اموری شوند که ایشان در آنها ولایت دارد.<sup>۵۸</sup>

### چگونگی تعامل مردم و حاکمان اسلامی

بر اساس روایتي که شیخ مفید از رسول اکرم ﷺ نقل کرده، همه مؤمنان برادران و خواهرانی هستند که نیاز بعضی از آنها به وسیله بعضی دیگر برآورده می شود.<sup>۵۹</sup> بنابراین در ادبیات سیاسی اسلام، رابطه دوسویه ای میان حاکمان و مردم ترسیم شده و برای هر کدام حقوق و وظایفی در قبال دیگری معین گردیده است.

### الف) وظایف حاکمان اسلامی در قبال مردم

آن چنان که شیخ مفید از امام علی علیه السلام نقل کرده، هدف از حکومت و ریاست در اسلام برپا داشتن حق و از بین بردن باطل است.<sup>۶۰</sup> به نظر شیخ مفید، اساساً به منظور نزدیک کردن مردم به صلاح و رستگاری و دور ساختن آنها از فساد و تباهی، امامت ضرورت می یابد. امامت مسئولیت و رسالتی خدایی است، نه امتیاز و برتری بر مردم. امامت باید همواره در مسیر الهی قرار گیرد، به همین دلیل است که خداوند متعال پس از اعلام خلافت و حکومت به حضرت داود علیه السلام، او را به پرهیز از تبعیت هوا و هوس در این کار امر فرمود.<sup>۶۱</sup>

به تعبير شیخ مفید، خداوند متعال حضرت داود علیه السلام را بدین جهت از هوا و هوس در امر حکومت و خلافت برحذر داشت تا در امر حکومت و خلافت مسیر خدایی گمراه نشود.<sup>۶۲</sup> و آن را وسیله ای برای ارضای خواسته های نفسانی خود قرار ندهد. بر این اساس، ایشان همه حاکمان اسلامی را در رفتار با مردم به لزوم رعایت نکاتی توصیه می کند:

۱. در نظر گرفتن رضایت خداوند متعال<sup>۶۳</sup>؛
۲. تأمین مصلحت دینی و دنیوی مردم<sup>۶۴</sup>؛
۳. رعایت عدالت در میان مردم<sup>۶۵</sup>؛
۴. اجتناب از تحکّم و زورگویی به مردم.<sup>۶۶</sup>

## ب) وظایف مردم در برابر حاکمان اسلامی

۱. شناخت امام و اعتقاد به وی: در ادبیات سیاسی شیعه، اولین وظیفه‌ای که برای مردم در قبال حاکمان بیان شده، لزوم معرفت و شناخت امام بر حق است. شیخ مفید بارها این وظیفه را خاطر نشان کرده، می‌گوید:

یجب علی کل مکلف أن يعرف إمام زمانه و يعتقد إمامته<sup>۶۷</sup>؛ بر هر مکلفی واجب است که امام زمان خویش را بشناسد و به امامت او اعتقاد داشته باشد.

به اعتقاد شیخ مفید، این یک «فرض لازم بلکه از مؤکدترین فرایض اسلام است»<sup>۶۸</sup>؛ چرا که قرآن کریم در آیات ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اطِيعُوا اللَّهَ وَاطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِيَ الْأَمْرِ مِنْكُمْ﴾<sup>۶۹</sup> و ﴿يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ أُنَاسٍ بِإِمامِهِمْ فَمَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ فَأُولَئِكَ يَقْرَءُونَ كِتَابَهُمْ وَلَا يَظْلُمُونَ فَتِيلًا﴾<sup>۷۰</sup> معرفت امامان را بر مردم واجب فرموده است.<sup>۷۱</sup> پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز فرموده‌اند: «من مات وهو لا يعرف إمام زمانه مات ميتة الجاهلية». به اعتقاد وی، این روایت تصریح دارد به این که هر کس امام زمان خود را نشناسد، خارج از اسلام است.<sup>۷۲</sup> علاوه بر کتاب و سنت، مقتضای اجماع اهل اسلام و عقل و اعتبار نیز وجوب شناخت امام بر مردم می‌باشد.<sup>۷۳</sup>

۲. فرمان‌بری و اطاعت از امام: از ثبوت امامت امام عادل، اساسی‌ترین وظیفه مردم اطاعت از دستورهای ایشان است. شیخ مفید با طرح این وظیفه در موارد مختلف، می‌گوید:

زمانی که امامت امامی بر کسی ثابت شد، اطاعت از او برای آن شخص واجب، و مخالفت با ایشان حرام است، زیرا خداوند متعال در آیه مبارکه ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اطِيعُوا اللَّهَ وَاطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِيَ الْأَمْرِ مِنْكُمْ﴾ اطاعت از ائمه علیهم السلام را در ردیف اطاعت از خود قرار داده و در نتیجه، نافرمانی از ایشان در حکم نافرمانی از خداوند قرار گرفته است، از این رو همه اهل قبله (مسلمانان) به حکم عقل و نقل بر فاسق و فاجر بودن محاربان با ایشان اتفاق نظر دارند.<sup>۷۴</sup>

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز درباره اطاعت از امام عادل می‌فرماید: «اسمعوا و اطيعوا لمن ولاة الله الأمر فإنه نظام الإسلام».<sup>۷۵</sup> امام علی علیه السلام نیز درباره لزوم اطاعت از امام عادل می‌فرماید:

ای مردم، شما بر همان چیزی که با خلفای قبلی بیعت کرده بودنتان، با من بیعت کرده‌اید. مردم قبل از این که بیعت کنند اختیارشان دست خودشان است، اما زمانی که بیعت کردند دیگر باید تسلیم امام باشند و امام هم باید بر بیعت ایشان پایدار بماند. این یک بیعت عمومی بوده و هر کس از آن برگردد، از اسلام برگشته است.<sup>۷۶</sup>

بنابراین، هم‌چنان که شیخ مفید با استناد به روایت مذکور بیان کرده‌اند، مردم پس از شناخت امام

بر حق خود باید تنها از او اطاعت کنند و از هر گونه حاکم جاهل و متعَلَب روی گردان شوند، زیرا همان طور که امام باقر علیه السلام فرموده‌اند، خداوند متعال چنین می‌فرماید:

لَأُعَذِّبَنَّ كُلَّ رَعِيَةٍ فِي الْإِسْلَامِ اطَاعَةَ كُلِّ إِمَامٍ لَيْسَ مِنْ اللَّهِ وَإِنْ كَانَتْ الرِّعْيَةُ بَارَةً تَقِيَّةً  
وَلَأَعْفُونَ عَنْ كُلِّ رَعِيَةٍ فِي الْإِسْلَامِ اطَاعَةَ كُلِّ إِمَامٍ عَادِلٍ مِنْ اللَّهِ وَإِنْ كَانَتْ الرِّعْيَةُ ظَالِمَةً  
مُسِيئَةً<sup>۷۷</sup>؛ هر رعیت مسلمانی را که از امام غیر عادل و غیر منصوب از سوی خدا اطاعت کند -  
هر چند رعیت خوب و متقی باشد - عذاب خواهیم کرد و هر رعیتی مسلمانی را که از امام  
عادل و منصوب از سوی خدا اطاعت کند - اگر چه آن رعیت گناهکار و ظالم باشد - خواهیم  
بخشید.

از نظر شیخ مفید، اطاعت از حاکم اسلامی در عصر غیبت بر مؤمنان و پیروان ائمه علیهم السلام لازم  
و ضروری است: «و يجب على إخوانه من المؤمنين معونته على ذلك»<sup>۷۸</sup>.

۳. **خیرخواهی و نصیحت حاکمان:** شیخ مفید در بحث شورا، پیامبر و امام معصوم علیه السلام را به دلیل  
وجود صفت عصمت در ایشان، از مشورت و نصیحت مردم بی‌نیاز دانسته است<sup>۷۹</sup>، اما اولاً: سیره ایشان  
را در مشورت‌خواهی از مردم و پذیرش نصیحت و خیرخواهی در موارد مختلف، یادآوری کرده است؛  
ثانیاً: عدم ضرورت مشورت‌خواهی حاکم از مردم را تنها درباره حاکمان معصوم مطرح کرده و غیر  
ایشان را بی‌نیاز از آن ندانسته است و ثالثاً: با نقل روایات متعدد، «نصیحت ائمه مسلمین» را یکی از  
وظایف مردم دانسته است<sup>۸۰</sup> و انتقاد حاکمان از سوی مردم را هدیه‌ای از جانب ایشان تلقی کرده است<sup>۸۱</sup>.



## پی‌نوشت‌ها

۱. لثواشتر اوس، فلسفه سیاسی چیست؟، ص ۳۸.
۲. شیخ مفید، الارشاد (قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، ۱۴۱۳ ق) ج ۲، ص ۳۴۲.
۳. همان.
۴. ر.ک: شیخ مفید، المسائل الجارودیه (قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، ۱۴۱۳ ق) ص ۴۴.
۵. شیخ مفید، الجمل (قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، ۱۴۱۳ ق) ص ۱۸۷.
۶. شیخ مفید، الفصول المختاره (قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، ۱۴۱۳ ق) ص ۲۴۹.
۷. شیخ مفید، اوائل المقالات (قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، ۱۴۱۳ ق) ص ۶۵.
۸. شیخ مفید، الافصاح (قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، ۱۴۱۳ ق) ص ۳۷.
۹. شیخ مفید، النکت الاعتقادیه (قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، ۱۴۱۳ ق) ص ۳۹.
۱۰. شیخ مفید، اوائل المقالات، پیشین، ص ۶۵.
۱۱. شیخ مفید، الارشاد، پیشین، ج ۱، ص ۵.
۱۲. شیخ مفید، الافصاح، پیشین، ص ۴۴ - ۴۵.
۱۳. شیخ مفید، النکت الاعتقادیه، پیشین، ص ۴۴ - ۴۵.
۱۴. شیخ مفید، المقنعه، پیشین، ص ۶۷۶.
۱۵. شیخ مفید، الفصول المختاره، پیشین، ص ۲۴۹.
۱۶. شیخ مفید، الافصاح، پیشین، ص ۳۷.
۱۷. شیخ مفید، المقنعه، پیشین، ص ۳۲.
۱۸. شیخ مفید، المسائل العکبریه، (قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، ۱۴۱۳ ق) ص ۴۶ - ۴۷.
۱۹. شیخ مفید، الفصول المختاره، پیشین، ص ۲۲۸؛ الافصاح، ص ۲۷ و اوائل المقالات، پیشین، ص ۴۰.
۲۰. شیخ مفید، النکت الاعتقادیه، پیشین، ص ۴۰ و المسائل الجارودیه، پیشین، ص ۴۵.
۲۱. همان.



۲۲. شیخ مفید، المسائل الجارودیه، پیشین، ص ۳۱ و ۴۵ والارشاد، پیشین، ج ۲، ص ۱۸۲.
۲۳. شیخ مفید، الارشاد، پیشین، ج ۲، ص ۱۸۲.
۲۴. شیخ مفید، الافصاح، پیشین، ص ۲۳۹.
۲۵. شیخ مفید، المسائل الجارودیه، پیشین، ص ۴۵: اوائل المقالات، پیشین، ص ۳۹ - ۴۰ والارشاد، پیشین، ج ۲، ص ۱۸۲.
۲۶. شیخ مفید، المسائل الجارودیه، پیشین، ص ۳۱ والافصاح، پیشین، ص ۳۰ - ۳۱.
۲۷. شیخ مفید، المسائل الجارودیه، پیشین، ص ۴۶ والمسائل العکبریه، پیشین، ص ۵۲.
۲۸. شیخ مفید، امالی (قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، ۱۴۱۳) ص ۱۷۳: «ثلاثة لا يقبل لهم صلاة... رجل أم قوماً وهم له كارهون».
۲۹. شیخ مفید، المقتنعه، پیشین، ص ۷۲۱ والارشاد، پیشین، ج ۲، ص ۲۶۰.
۳۰. شیخ مفید، المقتنعه، پیشین، ص ۸۱۲.
۳۱. همان، ص ۶۷۶.
۳۲. محمد سروش محلاتی، «شؤون واختيارات فقيه از دیدگاه شیخ مفید»، مجموعه مقالات کنگره شیخ مفید، ص ۳۱.
۳۳. شیخ مفید، پیشین، ص ۸۱۰.
۳۴. همان، ص ۶۷۶.
۳۵. برای نمونه، رک: مرتضی حائری، صلاة الجمعة (قم: انتشارات جامعه مدرسین، ۱۴۰۹ ق) ص ۵۹ - ۶۱: احمد أذری قمی، ولایت فقیه (قم: دارالعلم، ۱۳۷۲) ص ۱۸۴ و محمد سروش محلاتی، شؤون واختيارات ولی فقیه، پیشین، ص ۳۲-۳۳.
۳۶. شیخ مفید، المقتنعه، پیشین، ص ۲۵۲ و ۶۷۶: «فإذا عدم السفراء بينه وبين رعيته وجب حملها إلى الفقهاء المأمونين من أهل ولايته» و «كان لفقهاء أهل الحق العدول من ذوى الرأى والعقل والفضل».
۳۷. محمد سروش محلاتی، پیشین، ص ۳۵.
۳۸. همان.
۳۹. شیخ مفید، پیشین، ص ۶۷۵ - ۶۷۶.
۴۰. همان، ص ۸۱۰.
۴۱. همان، ص ۸۱۲.
۴۲. همان، ص ۲۵۳.
۴۳. همان، ص ۸۱۱.

۴۴. شیخ مفید، *الاشراف* (قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، ۱۴۱۳ ق) ص ۲۴ - ۲۵.
۴۵. این عبارت شیخ مفید ملهم از وضعیتی بوده که بر عراق به ویژه بغداد آن روز حاکم بوده است و بارها گروه‌های مخالف متعصب مسجد ایشان را مورد حمله قرار می‌دادند.
۴۶. شیخ مفید، *المقنعه*، پیشین، ص ۸۱۱: «و للفقهاء من شيعة الائمه عليهم السلام ان يجمعوا بإخوانهم في الصلوات الخمس و صلوات الأعياد و الاستسقاء و الكسوف و الخسوف، إذا تمكنوا من ذلك و آمنوا من معرة أهل الفساد».
۴۷. همان، ص ۶۷۵ - ۶۷۶.
۴۸. برای نمونه، ر.ک: همان، ص ۵۱۹، ۵۳۷، ۶۱۶، ۶۶۹، ۶۷۵، ۷۸۱، ۸۰۹، ۸۱۰ و ۸۱۶.
۴۹. برای نمونه، ر.ک: همان، ص ۷۸۱.
۵۰. همان، ص ۶۷۵ - ۶۷۶.
۵۱. همان، ص ۸۱۶.
۵۲. همان، ص ۸۰۹.
۵۳. همان، ص ۶۱۶.
۵۴. همان، ص ۵۳۷: «و إذا غاب الرجل عن إمرأته غيبةً لم تعرف فيها خبره... رفعت امرها الى سلطان الزمان ليبحث عن خبره في الامصار فان عرفت له خبراً من حياة الزمه السلطان التفق عليها او القراق...».
۵۵. همان، ص ۶۴۸.
۵۶. همان، ص ۶۴۹.
۵۷. احمد آذری قمی، *ولایت فقیه*، پیشین، ص ۱۸۴.
۵۸. شیخ مفید، پیشین، ص ۶۷۵ - ۶۷۶.
۵۹. شیخ مفید، *امالی*، پیشین، ص ۱۵۰: «قال رسول الله: «المؤمنون إخوة يقضى بعضهم حوائج بعض».
۶۰. شیخ مفید، *الارشاد*، پیشین، ج ۱، ص ۲۴۷.
۶۱. ص (۳۸) آیه ۲۶.
۶۲. شیخ مفید، *المقنعه*، پیشین، ص ۷۳.
۶۳. شیخ مفید، *امالی*، پیشین، ص ۲۶۹ و *المسائل العشرة* (قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، ۱۴۱۳ ق) ص ۱۱۳.
۶۴. شیخ مفید، *فصول المختاره*، پیشین، ص ۲۲۳.
۶۵. شیخ مفید، *امالی*، پیشین، ص ۲۶۹: *الجمال*، پیشین، ص ۱۸۷: *المسائل الجاروديه*، پیشین، ص ۴۴ و *الارشاد*، پیشین، ص ۲۶۰ و ۳۰۴.
۶۶. شیخ مفید، *امالی*، پیشین، ص ۱۷۳ و *فصول المختاره*، پیشین، ص ۱۰۳.



۶۷. شیخ مفید، *المقنعه*، پیشین، ص ۳۳.
۶۸. شیخ مفید، *الانصاح*، پیشین، ص ۲۸.
۶۹. نساء (۴) آیه ۵۹.
۷۰. اسراء (۱۷) آیه ۷۱.
۷۱. شیخ مفید، پیشین، ص ۲۸.
۷۲. همان، ص ۲۸ - ۲۹.
۷۳. همان.
۷۴. شیخ مفید، *الجمال والنصرة لسيد العترة*، پیشین، ص ۹۲ - ۹۳.
۷۵. شیخ مفید، *امالی*، پیشین، ص ۱۴.
۷۶. شیخ مفید، *الارشاد*، پیشین، ص ۲۴۳ - ۲۴۴.
۷۷. شیخ مفید، *الاختصاص* (قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، ۱۴۱۳ ق) ص ۲۵۹ - ۲۶۰.
۷۸. شیخ مفید، *المقنعه*، پیشین، ص ۸۱۰.
۷۹. شیخ مفید، *الفصول المختارة*، پیشین، ص ۳۱ - ۳۳.
۸۰. شیخ مفید، *امالی*، پیشین، ص ۱۸۷: قال رسول الله: «ثلاثة لا يغفل عليهن قلب عبد مسلم: اخلاص العمل لله والنصيحة لائمة المسلمين وال لزوم بجماعتهم».
۸۱. شیخ مفید، *الاختصاص*، پیشین، ص ۲۴۰: قال الصادق ۷: «أحبُّ إخواني إلى من أهدى إلى عيوبى».